

بررسی آمیختگی فضاهای ذهنی و روایی در رمان کودک

نمونه‌ی موردی: بیز بیز بیزینس از فرهاد حسن‌زاده

چکیده

در این مقاله، برای اولین بار کاربرد مدل آمیختگی فضاهای ذهنی و روایی بر روی یک داستان بلند بررسی شده است. به همین منظور، رمان کودک بیز بیز بیزینس فرهاد حسن‌زاده با استفاده از مدل آمیختگی فضاهای ذهنی و روایی دنیسیگر مورد بررسی قرار گرفته است. جنبه‌ی نوآورانه‌ی این پژوهش، نمایش فضاهای چندلایه‌ی روایی رمان، در قالب نمودارهای تصویری است. این روش بخوبی نشان می‌دهد که چگونه جنبه‌های زبانی متن‌های روایی می‌تواند به تولید معنا در ذهن و همچنین درک داستان جدید منجر شود. برای انجام این پژوهش ابتدا به تعیین و مشخص کردن فضاها به صورت فضای راوی، شخصیت، آینده و گذشته می‌پردازیم. این فضاها از طریق نحوه بیان، مدیریت داستان و چگونگی انتخاب کلمات و افعال توسط نویسنده بوجود می‌آیند. سپس لنگرهای روایی را در متن مشخص می‌کنیم. این‌ها سازنده‌ی فضاهای ذهنی و روایی در متن هستند. در نهایت با مدل NMSB، غنای مداوم فضاهای روایی با فضاهای در حال ظهور را برای رسیدن به داستان نوظهور نمایش می‌دهیم. نتایج کلی پژوهش نشان می‌دهد که چگونه این روش می‌تواند با انتقال اطلاعات اندک موجود در متن برای حل معمای داستان به خواننده کمک کند و هر متن روایی از آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد، پویاتر و درهم‌تنیده‌تر است. نتایج پژوهش در رمان حسن‌زاده بیانگر آن است که تغییر دیدگاه از یک شخصیت به شخصیت دیگر موجب پیچیدگی و پویایی داستان شده است و نویسنده از ظرفیت‌های بالای ابزارهای زبانی برای ساخت فضاهای ذهنی و روایی داستان، در رخداد‌های زمانی و معنایی نسبت به سایر عناصر روایت بیشتر بهره برده است.

کلیدواژه‌ها: آمیختگی فضاهای ذهنی و روایی، باربارا دنیسیگر، روایت‌شناسی شناختی، رمان کودک.

۱. مقدمه

رویکردهای شناختی^۱ در علوم مختلف به عنوان حوزه‌هایی بین رشته‌ای، دانش‌پژوهان را به بینش‌ها و مدل‌های تحلیلی جدید مجهز کرده است. این مطالعات با نگاهی جدید به زوایایی که تاکنون از دید پژوهشگران پنهان بوده، سعی دارند تحلیلی جامع ارائه دهند.

با توجه به تحقیقات عصب‌شناسی، علوم شناختی نشان داده است که نوروهای آینه‌ای^۲ در مغز، به جهان‌های تخیلی (توصیفات، رویدادها، شخصیت‌ها) واکنش نشان می‌دهند و آن‌ها را واقعی می‌پندارند. از این رو، خواندن داستان‌های تخیلی باعث می‌شود مغز موقعیت‌های شناختی و عاطفی را مانند وقایع حقیقی شبیه‌سازی کند و همچنین درک ما از جهان واقعی را بهبود می‌بخشد. البته باید در نظر داشته باشیم که توانایی خواندن عمیق در بین بزرگسالان و کودکان یکسان نیست. تفاوت اساسی ناشی از نحوه‌ی خواندن و درک عمیق‌تری است که با تجربه بیشتر در فرآیند خواندن به دست می‌آید. در واقع ما با استفاده از منابع مطالعاتی‌ای که در اختیار کودکان قرار می‌دهیم، می‌توانیم به عملکرد شناختی مغزشان کمک کنیم (نیکولایو، ۲۰۱۴: ۱۲).

تاکنون رویکردهای شناختی عرصه جولان محدودی در حیطه ادبیات کودک داشته‌اند. ما در مورد مسائل شناختی در متون روایی کودک، بسیار کم می‌دانیم. در این زمینه زبان‌شناسی شناختی می‌تواند راهگشا باشد. این شاخه از دانش بیشتر به دنبال توجیه و توصیف ذهنی جهان متنی است که نویسنده خلق کرده و چگونگی ساخته شدن فضاهای ذهنی^۳ را با توجه به فضاهای روایی^۴ خلق شده، توضیح می‌دهد (نجفی، ۱۳۹۵: ۴۱). در واقع زبان‌شناسی شناختی^۵ با اصول نظریات روایت پیوند خورده و محصول این پیوند روایت‌شناسی شناختی^۶ است.

¹ cognitive approach

² mirror neuron

³ mental spaces

⁴ narrative spaces

⁵ cognitive linguistics

⁶ cognitive narratology

۲. روایت‌شناسی شناختی

روایت‌شناسی شناختی علمی نوظهور در عرصه‌ی ادبیات و علوم شناختی است. هرمن^۷ (۲۰۰۷) روایت‌شناسی و زبان‌شناسی را زیرمجموعه‌ی علوم شناختی می‌داند و معتقد است که رویکرد زبان‌شناختی به داستان در کنار رویکرد روایت‌شناختی، الگوهای ذهنی از جهان را به وجود می‌آورند.

روایت‌شناسی شناختی ارتباط بین ذهن با عناصر روایت را در متون مکتوب، متون شفاهی، سینما، رادیو، محیط‌های دیداری، رایانه و سایر ابزارهای قصه‌گویی بررسی می‌کند. بنابراین، با استفاده از این روش می‌توان جنبه‌های مرتبط با ذهن را از طریق عوامل مرتبط با طرح و تفسیر روایت مطالعه کرد. این عوامل شامل موارد زیر می‌شوند: کنش قصه‌گویی قصه‌گو، فرآیندهایی که از طریق آن‌ها مفسران جهان‌روایی را معنا می‌کنند، جهان‌های داستانی که بازنمودهای روایی یا ابزار روایی این مفسران را به وجود می‌آورند و همچنین موقعیت شناختی و تمایلات شخصیت‌ها در این جهان‌های داستانی (هرمن، ۲۰۱۲: ۲۰۶).

ذهن انسان ذاتاً روایت‌پرداز است. «همه ما دارای مدارهایی مغزی هستیم که بر اطلاعات ورودی به‌دقت نظارت می‌کنند، این اطلاعات را برای تشکیل الگوها تصفیه می‌کنند و این الگوها را در قالب روایت‌ها مرتب می‌کنند» (گاتشال، ۱۳۹۸: ۷۸). در واقع، روایت بازتاب فعالیت‌های شناختی ذهن انسان است. پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده، نشان داده است که این الگوهای ذهنی به‌خوبی قابل اعمال بر قالب‌های روایی و ادبی هستند.

زبان‌شناسان شناختی به بررسی مدل‌های ذهنی‌ای می‌پردازند که ذهن انسان برای معنا بخشیدن به مدل‌های روایی از آن‌ها استفاده می‌کند. یکی از این مدل‌های ذهنی ارائه شده، مدل «آمیختگی مفهومی»^۸ فوکونیه و ترنر^۹ (۲۰۰۲) است که قالب ذهنی ساخت معنا را با استفاده از نمودار بازسازی می‌کند (برکت و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵).

⁷ Herman, D

⁸ Conceptual Blending Theory (CBT)

⁹ Gilles Fauconnier / Mark Turner